

چکیده:

زمینه و هدف: آثار بزرگان صوفیه بخش مهمی از ادب فارسی را تشکیل می‌دهد و بررسی آنها می‌تواند ابعاد تازه‌ای از زبان، ساختار و اندیشه‌های عرفانی را آشکار سازد. در میان این بزرگان، شیخ احمد جام نامقی مشهور به ژنده پیل جایگاهی ویژه دارد. این پژوهش با هدف تبیین ویژگی‌های آثار منثور وی و نشان دادن ارزش و جایگاه آنها در ادب عرفانی فارسی، به تحلیل این آثار در سه سطح زبانی، ادبی و فکری می‌پردازد.

روش‌ها: این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. نمونه‌های بسیاری از متن آثار منثور شیخ احمد جام استخراج و در سه سطح زبانی، ادبی و فکری دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند و در هر بخش، ویژگی‌های شاخص همراه با شواهد متنی بررسی گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح زبانی، نوشته‌های شیخ احمد جام در شمار آثار سبک مرسل و ساده قرار می‌گیرد و گرایش آشکار او به ساده‌نویسی، با هدف ترویج اندیشه‌های عرفانی در میان عموم مردم هماهنگ است. در سطح ادبی، آرایه‌های «تشبیه» و «کنایه» بیش از دیگر صنایع به کار رفته‌اند که بیانگر تلاش نویسنده برای تفهیم آسان مفاهیم صوفیانه و برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان است. در سطح فکری، آثار وی بازتاب طیف گسترده‌ای از آموزه‌های عرفانی، از جمله تفسیر آیات قرآن، تبیین راه وصول به حق، شرح مقامات سالکان و تأکید بر بی‌اعتنایی به داوری مردم است.

نتیجه‌گیری: واکاوی سبک نثر نویسی شیخ احمد جام نشان می‌دهد که میان سادگی زبانی، کاربرد هدفمند آرایه‌های ادبی و انسجام اندیشه عرفانی او، پیوندی هدفمند برقرار است. سادگی نثر، ابزاری برای گسترش تعلیمات صوفیانه در میان عموم مردم است؛ آرایه‌های ادبی، نقش تسهیل‌کننده و تبیینی دارند و مضامین فکری، چارچوبی منسجم از سلوک عرفانی ارائه می‌کنند. بدین ترتیب، آثار او نمونه‌ای شاخص از پیوند میان زبان مردمی و اندیشه عمیق عرفانی در ادب فارسی به شمار می‌آید و می‌توان آنها را یکی از منابع مهم در شناخت نثر عرفانی و تحولات فکری تصوف ایرانی دانست.

تاریخ دریافت: ۳۰ آبان ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۳۰ آذر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۵ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۱ اسفند ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

احمد جام، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

* نویسنده مسئول:

dr.mojtaba.ahmadvand@gmail.com

(۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the prose writing style of Sheikh Ahmad Jam (Jandeh Pil)

M. Ahmadvand

PhD in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 21 November 2025
Reviewed: 21 December 2025
Revised: 05 January 2026
Accepted: 20 February 2026

KEYWORDS

Ahmad Jām - Stylistics - Linguistic Level - Literary Level - Intellectual Level

*Corresponding Author

dr.mojtaba.ahmadvand@gmail.com

(+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The works of the great Sufi masters constitute a significant part of Persian literature, and studying them can reveal new dimensions of language, structure, and mystical thought. Among these luminaries, Sheikh Ahmad Jām Nāmaqi, famously known as Zhandepil, holds a special place. This study aims to elucidate the characteristics of his prose works and to demonstrate their value and position in Persian mystical literature by analyzing them on three levels: linguistic, literary, and intellectual.

METHODOLOGY: This research was conducted using a descriptive-analytical approach based on library studies. Numerous examples from Sheikh Ahmad Jām's prose works were extracted, categorized, and analyzed across the three levels of language, literature, and thought. In each category, prominent features were examined alongside textual evidence.

FINDINGS: The findings indicate that, at the linguistic level, Sheikh Jām's writings belong to the style of *Mursal* and simple prose. His clear inclination toward simplicity aligns with his goal of disseminating mystical ideas among the general public. At the literary level, the figures of speech most frequently employed are *simile* and *metonymy*, reflecting the author's effort to facilitate the understanding of Sufi concepts and to establish an effective connection with readers. At the intellectual level, his works reflect a broad range of mystical teachings, including interpretations of Quranic verses, explanations of the path to divine realization, descriptions of the spiritual stages of seekers, and an emphasis on indifference to public judgment.

CONCLUSION: A three-level examination of Sheikh Ahmad Jām's prose demonstrates a purposeful connection between linguistic simplicity, deliberate use of literary devices, and the coherence of his mystical thought. Simple prose serves as a tool for spreading Sufi teachings to the general public; literary devices play an explanatory and facilitative role; and intellectual content provides a structured framework for mystical practice. Accordingly, his works represent a prominent example of the integration of popular language with profound mystical thought in Persian literature and can be considered a valuable resource for understanding Sufi prose and the intellectual developments of Iranian mysticism.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8123>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 0	 0

مقدمه

شیخ احمد جام نامقی (۴۴۰-۵۳۶ هـ ق) معروف به زنده‌پیل، در روستای نامق از توابع تُرشیز (کاشمر) به دنیا آمد. در سبب شهرت وی به زنده‌پیل یا زنده‌پیل گفته‌اند که به مناسبت بلندبالایی و زورمندی و درشتی اندام و یا نظر به بزرگی و والایی مقامش نزد رهروان، معاصران و مریدانش این لقب را بدو داده‌اند. (فاضل، ۱۳۷۳: ۳)

دودمان وی از نژاد اعراب یمنی و از اعقاب جریر بن عبدالله بَجَلِی صحابی معروف بودند. اجدادش به ایران کوچیده بودند و پدرش در نامق کاشمر واقع در خراسان ساکن شده بود. به همین سبب از وی «شیخ احمد عربی» و «احمد بَجَلِی» نیز یاد کرده‌اند و به مناسبت زادگاه او نامق او را نامقی و پس از انتقالش به جام، نامقی جامی خوانده‌اند. (همان: ۵)

در ۲۲ سالگی به مدد بارقه‌ای روحانی تغییر حال داده و دست از عشرت و باده‌پیمایی میکشد و بر سر توبه می‌آید. ۱۸ سال به ریاضت و خودسازی میپردازد و پس از گذشت چهار سال از عمر، زمانی که خود را صاف و پالوده میکند، به نیت تعلیم و هدایت خلق وارد صحنه ارشاد میشود. (همان: ۹۳)

وی به قصد نشر حقایق و آشنایی بیشتر با مردم، به سیر در آفاق میپردازد و به بیهق، نیشابور، تاباد، مرو، سرخس، هرات و مناطق دیگر مکرر سفر میکند و در خلال این سفرها نفوذی کم‌نظیر در طبقات مختلف بدست می‌آورد و مجالس برپا میکند. (همان: ۹۷)

سرانجام شیخ جام در ۹۶ سالگی و پس از بازگشت از سفر حج، چشم از جهان میبندد و در نزدیکی خانقاهش به خاک سپرده میشود. امروزه آرامگاه وی به تربت جام مشهور گردیده است. (همان: ۲۹۹)

از وی نوشته‌ها و اشعار زیادی بجا مانده است که در قالب هفت اثر منثور و یک دیوان شعر همگی به چاپ رسیده‌اند. در این نوشته، نگارنده به بررسی سه سطح زبانی، ادبی و فکری آثار منثور احمد جام میپردازد و ویژگیهای هر سطح را با توضیحات و مثالهای گوناگون نشان میدهد.

پیشینه پژوهش

درباره شخصیت و آثار شیخ احمد جام، آثار بسیاری به رشته تحریر درآمده است. در میان آنها دو کتاب ارزشمند «کارنامه احمد جام نامقی» و «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام» هر دو از مرحوم دکتر علی فاضل - که شیفته آثار شیخ جام بود و پنج اثر منثور وی را تصحیح کرده است - در صدر قرار میگیرد و دو منبع محکم در این زمینه است. جز این دو، هیچ کتاب مستقلی در باب بررسی آثار احمد جام نوشته نشده است، اما تعداد چشمگیری مقاله و پایان‌نامه با عناوین مختلف، به بررسی آثار زنده‌پیل جام پرداخته‌اند که به مهمترینشان اشاره می‌رود:

عناوین مقالات:

- «احمد جام، از افسانه تا واقعیت»، «واژه‌هایی نادر و مغتنم در زبان شیخ جام»، «جایگاه لغات عربی و واژه‌های کهن و برخی ترکیبات زیبای قدیمی در نثر عرفانی شیخ احمد جام بر پایه دو کتاب انس‌التائیین و کنوزالحکمه»، «تحلیل ساختار زبانی نثر عرفانی شیخ احمد جام بر اساس کنوزالحکمه و انس‌التائیین» و «استعاره‌های سماع در انس‌التائیین احمد جام نامقی».

عناوین پایان‌نامه‌ها:

- «بررسی اندیشه‌های اجتماعی در آثار شیخ احمد جام»، «جایگاه مشایخ در آثار شیخ احمد جام نامقی»، «تحلیل گفتمانی انس‌التائیین احمد جام»، «بررسی زبان تصوّف در آثار احمد جام»، «نسبت عقل و عشق از دیدگاه شیخ احمد جام»، «طبقات و اصناف دینداران در آثار شیخ احمد جام»، «بررسی زبان تصوّف در آثار احمد جام»، «بررسی کنایه در آثار منثور احمد جام»، «بررسی سبک انس‌التائیین شیخ احمد جام در دو سطح فکری و ادبی»، «بررسی آثار و اندیشه‌های شیخ احمد جام»، «تصحیح دیوان اشعار شیخ احمد جام»، «شریعت در آثار احمد جام (ژنده پیل) نامقی» و «بررسی ویژگیهای نحوی در نثر شیخ احمد جام با محوریت کتاب انس‌التائیین».

نوآوری پژوهش

آنچه نوشته حاضر را از سایر مطالعات متمایز میسازد، بررسی جامع و همه‌جانبه تمامی آثار منثور شیخ جام است. این بررسی نه تنها در سطح زبانی، بلکه در سطوح ادبی و فکری نیز انجام شده است. به عبارت دیگر، هر اثر از آثار احمد جام مورد واکاوی و کنکاش دقیق قرار گرفته و تحلیل‌های ارائه شده، متناسب با هر سطح و هماهنگ با روح و محتوای متن اصلی نوشته‌های او تنظیم شده‌اند. چنین رویکردی امکان میدهد تا خواننده تصویری کامل و منسجم از ویژگی‌های زبانی، سبک ادبی و عمق فکری آثار احمد جام به دست آورد و ارزشهای متنی و معنایی این آثار را درک کند.

سطح زبانی

احمد جام نثری ساده دارد. اصرار او بر اشاعه و گسترش نگارش سهل تا آنجاست که حتی شاگردان و مریدان را از کاربرد سبک‌های ناهنجار و بغرنج منع میکند. (فاضل، ۱۳۸۳: پانزده)
میتوان نثر او را با آنکه در نیمه آغازین قرن ششم است، از آثار نثر مرسل و ساده ادب فارسی شمرد چراکه عناصر موجود در همه نوشته‌هایش مؤید این نتیجه است. در زیر به ده ویژگی برجسته نثر او اشاره میشود:

۱- کوتاهی جملات

شیخ جام در تمامی آثارش از جملات کوتاه استفاده میکند و از کاربرد جملات طولانی و آوردن عبارتهای پی در پی و بدون توقف که ممکن است موجب سردرگمی خواننده شود، به شدت میپرهیزد. نمونه‌ها:

- و به حقیقت میدانیم که هر کس را ابلیس از راه برده است، یکی باز بیاید و بر این سخن خندد. (احمد جام، ۱۳۸۷: پ ۱۸۴)

- هر آفتی که مرد را پیش آید، از قرین بد پیش آید. (همان: ۱۸۷)

- دل، سلطان است و عقل، وزیر است و نفس و قالب با جمله حواس لشکر است. (احمد جام، ۱۳۹۶: ۱۱۳)

- موسی(ع) پیغمبر مرسل بود و خضر(ع) نه مرسل بود. (احمد جام، ۱۳۸۹: پ ۱۰۴)

- هرچه ما را پیش می‌آید جمله ما را خبر کرده‌اند از پیش، تا ما گوش فرا کار داریم. (همان: ۲۷)

- و سخیترین همه اشیاء آفتاب است، همه تاریکیها از جهان برود، جمله عالم بدو منور گردد. (احمد جام، ۱۳۸۷: پ ۱۵)

- به همه طریقهها فرورفتم و به دقایق نظر بنگریستم همه از ترک شکر و کفران نعمت از سر پی بیفتاده‌اند. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۹۸)

- هرچه در فهم تو آید که پادشاه ما چنان است، وی نه چنان است بلکه آفریدگار آن است. (احمد جام، ۱۳۹۰: ۲۷)

- علم همه نیکوست و مفید است و مردم بی علم چون حیوان بود. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۳)
- مرد را گفت برخیز و آنچه گفتم کار بند. (همان: ۱۶۵)

۲- قیده‌های کهن

- حدیث دوستی و دوستان خود را سخت نیکو بیافریده است. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۴۱)
- این فضل را نیک یاد دارید. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۸۰)
- عاقلان سخت عزیزانند هم به نزدیک خدای تعالی هم به نزدیک خلق. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۱۳)
- اگر درویشی را ببینی که در منزل خفته و بازگلتید، بر وی بس داوری مکن. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۸۳)
- و نیک جهد باید کرد تا تن را از آنچه خو فرا کرده باز پس آرد. (احمد جام، ۱۳۸۷ پ: ۱۰۶)

معانی حروف اضافه

۱ - «با» در معنی «به»

- اکنون آمدم با سر این سخن که نجات چند نوع است. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۲۰۹)
- اگر بر آن نفاق یا خدای رسد، جای وی در که اسفل باشد. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۲۷)
- گفت یا رب! این امت من گناه بسیار میکنند، ایشان را یا صلاح آر. (همان: ۳۶)
- مر گناهکاران و رمیدگان را یا درگاه ما بخوانید. (همان: ۵۱)
- کس بود که یک سال تک و پوی کند تا بود که از زبان او چیزی یا دست آرد. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۱۹۰)
- کسی را یا مسلمانی دعوت کنی و شریعت در وی آموزی. (همان: ۲۹۸)

۲ - «اگر» در معنی «یا»

- چون پدری مر فرزندان خود را درمی چند اگر دیناری چند زر بنهد، آن فرزندان از وی بسیار منت بدارند. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۵)
- همه بهره این سه قسم است: اگر آن نفس باشد و اگر آن روح و اگر آن دل. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۰۴)
- هر که او چیزی بر دوستی خدای عز و جل اختیار کند و اگر چیزی از آن بهتر داند، او از این قوم نیست. (همان: ۱۳۲)
- این را که کرده ایم، هیچ جوابی داریم و اگر نه؟ (همان: ۲۶)

۳ - «را» در معنی «برای»

- اما در این کتاب فواید بسیار است اهل علم و عقل و معرفت را. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۱۲)
- این سخن را مثال هاست: در دنیا دو مرد دو کاریز فرا دست گیرند و هر دو را مقصود آب است. (همان: ۲۲۶)
- پس هر کجا که هست، و در هر مقام که هست، نیاز و تقصیر و عذر و اعتراف و توبه و ندامت می باید که هیچ زادی قیامت را بهتر از این نیست. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۵۹)
- ای جوانمرد! خدای را باش تا خدای تو را باشد. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۵۴)
- پس چون به حقیقت بنگری جرم ما راست که خود را غافل و نادان ساخته ایم. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۱۸)
- هم نظاره میدان را شاید و هم غنیمت را شاید و هم هزیمت را. (احمد جام، ۱۳۸۷ پ: ۱۱۰)

استعمال «همی» و «اندر»

- آن نسمة محمدی (ص) که اندر وجود درآمد قفل همه خزاین غیب بر وی گشاده شد. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۱۱۷)

(۲۲)

- همی نیاز مینمود که مرا کسی است که بر من رحیم است. لاجرم روزی خود همه به ناز خورد. (همان: ۴۸)
- و چون مرد مؤمن عارف از خود گناه بسیار می بیند و گناه همی داند، هرگز رقم کفر بر خود و بر ایمان خود نکشد. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۵۳)
- حق سبحانه و تعالی هرگه روز یاد کرد شب اندر مقابل آن یاد کرد. (همان: ۱۵۴)
- اما چون به حقیقت بنگری از کارها هیچ چیز به دست ما نیست، ما را همی نشانه ساخته اند. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۱۵)

کاربرد اعداد

- دویم چنان باشند که ظاهر ایشان از باطن ایشان بهتر باشد و ایشان مؤمنان عاصی باشند و سیّم چنان باشند که باطن ایشان از ظاهر ایشان بهتر باشد و ایشان از خواص باشند. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۱۷۹)
- دُدیگر طریق علم است و قرآن و اخبار و شریعت، سه ددیگر، طریق زهد و تقوی و توکل و تفویض. (همان: ۷۲)
- خدای عزّ و جلّ فرزندان آدم به چهار قسمت کرد: یک قسمت انبیاء و رُسل اند، و ایشان بهترین خلق اند. دُدیگر قوم مؤمنان و مخلصان و عارفان اند، و ایشان عزیزان دو جهان اند. سه ددیگر: قوم منافقان اند و جای ایشان در کُء اسفل است. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۵۸)
- بار دُدیگر در گناه افتادم خدای را عزّ و جلّ بگوی تا مرا بیمارزد. دیگر باره گفت خدای عزّ و جلّ گفت بیمارزیدم گوی دیگر نیز مکن بار سدیگر کرده بیامد. (همان: ۲۲۵)

ابدال و ادغام

- و در این روزگار که ماییم کارها بتر (=بدرتر) از آن شد که بود. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۷۹)
- که تو گویی: این کس بهتر است، چون به حقیقت بنگری بترین (=بدرترین) همه مردمان اوست. (همان: ۱۸۳)
- این لوح بر دل ایشان نبشته (=نوشته) است. (همان: ۱۸۴)
- کار از بهر خدای همچنان باشد که یک استئه (=هسته) زردآلو با جوزی یا یک دانه تود (=توت) که توان دانست که آن چند باشد. (همان: ۲۲۵)
- اسپّی (=اسبی) که جبرئیل بر آن نشست. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۲۲)
- راویان میگویند که: این خبر بر در بهشت نبشته (=نوشته) است، چون آنجا که بهترین جایهاست. (همان: ۱۵۷)
- اگر این دعوی میکنی شوانی (=شبان) کن نه گرگی! شوان (=شبان) آن باشد که رمه را فراهم دارد و فرا چرا زار برد. (همان: ۱۷۶)
- هیچ نتوان گفت سر همه راهها بسته است و بر سر همه کویها نگاهوان (=نگهبان) است. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۸۱)

- اگر نه چه جای آن است که از درویش محقق کسی که سخن گوید نه بحرمت، زفانش (=زبان) در ساعت لال گردد و دینش زوال آید. (احمد جام، ۱۳۸۷ پ: ۱۶۵)

تقدم فعل

- به درستی که مر خدای را عزّ و جلّ، بندگانند که تعجب کنند فرشتگان خدای عزّ و جلّ در ایشان. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۱۴)

- من بهترین همبازانم مر کسی را (که) شریک گرداند به من در عمل خود دیگری را. (همان: ۱۵)
- تا هر یکی به وقت آن بیرون باید آورد بیرون آوریم بی هیچ غلط و سهو و نیشان. (همان: ۲۰)
- و باید که بداند که شاید که در عصر وی از وی داناتر کسی هست یا نیست، اگر داند که هست حرام شد بر وی.
(احمد جام، ۱۳۹۶: ۱۴۴)

- شاکران قومی اند که ایشان خدای را عزّ و جلّ شکرکنند بر نعمت دنیا. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۰۴)
- خدای تبارک و تعالی میگوید: که چون غالب گردد بر بنده من دوستی من و مشغول گردد همی او به من. (همان: ۱۲۶)

- نور مؤمن از زمین میتابد اهل آسمان را، چنان که ستاره میتابد اهل زمین را. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۱۶۰)

فعلهای پیشوندی

- شما نیز این کتاب برخوانید و بشنوید. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۴)
- اگر از بهر دین را کسی بر نخواهد خواند، باری از بهر ریا بر باید خواند که در این کتاب چندانی سخن بکر پُر
معنی است که در عالم بگردی نیایی و هر جا که بگویی زبان و دست همگان فروبندد. (همان: ۱۱)
- چندانی علم دانست که همه بنی اسرائیل را تمام بود و جمله عصر او را و اگر چیزی دیگر بایستی از حق سبحانه
و تعالی پرسیدی و جواب باز یافتی. (همان: ۲۹)
- کسانی اند که پیوسته در اورادند و فضایل میگزارند و فریضه میناسند و سر به ورد فرومیدهند و مردمان ایشان
را به آن میستایند. (همان: ۱۱۲)

- و از پادشاه جل جلاله به درد دل و حسرت جان درخواهد تا وی را از طغیان خواجگی و مقدمی نگه دارد. (احمد
جام، ۱۳۹۶: ۱۴۴)

- ابر تیره برآمد و برق جستن گرفت و گرگان در رسیدند و گوسفندان رمیدن گرفتند وی راه گم کرد و زن را درد
زادن گرفت و سرمای سخت فروگرفت و آتش نه، و هر چند چقمق زد هیچ آتش بر نیامد. (همان: ۱۷۰)
- آری باشید تا فردا شود که این دانشمندان طامع را فراکشند و داد علم و خلق از ایشان بستانند ابلیس ملعون
احوال قیامت و عذاب خلق و آن خویش می داند که چه خواهد بود. (همان: ۱۸۵)
- کتاب بساختیم، هر که را خوش آید برگیرد و دراندیشد و برخواند و راه صواب برگیرد. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف:
۱۲)

- رسول (ص) گفت: «ای پسر! به درستی که من درآموزم تو را سخنانی.» (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۵۳)
- اگر از ما نصیحت، برادران ما فراپذیرند و با قسمت قسام نکوشند و رضا فرا دهند. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۲۸)
- و هر چه از آن متحمل تاویل و تفسیر است و مفسران آن را تاویل و تفسیر کرده اند و علمای حق آن را بیان
فرموده اند و معنی آن گفته اند از قول ایشان درنگذری و بر آن نیفزایی و هر چه آن را فرو گذاشته اند. (احمد جام،
۱۳۸۷ ب: ۹۲)

- دکان ایشان دکان تجارت است تا تجارت میکنند سود می یابند و چون دست از تجارت بازدارند کار ایشان فروماند.
(احمد جام، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

کاربرد «از بهر ... را»

- تا به جایی رسیدی که وقتی برخاستی و از بهر آواز ایشان را چند روز به کوه رفتی. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف:
۳۷)

- هم باک نیست به حمد الله تعالی که هم از بهر نصیحت مسلمان راست و هم از بهر منع هوا و بدعت را. (همان: ۸۴)

- و اگر به مقدار گناه به دوزخ بازدارد، پس با بهشت برد از بهر حرمت توحید را. (همان: ۲۰۳)
- همه خلق را بیافرید نه از بهر آن که او را به خلق حاجت بود، ولیکن از بهر اظهار قدرت را. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۱۹)

- اما یک چیز مرد مؤمن عارف عاقل را دامن میگیرد و بدین سبب بر شاخ سیاست و جباری می‌نتوان نشست از بهر این یک حجت را. (همان: ۱۶۹)

- بیایید تا ما از بهر دین خود را و دین حق را یک چندی خود را باز جوییم که صعب دور افتاده ایم و اجل نزدیک آمد. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۱۹۰)

- از بهر آن را تا هر کسی این کتاب برخواند و بدین تمسک کند نجات یابد. (احمد جام، ۱۳۸۷ پ: ۶۴)
- اما ما آنچه دانستیم یاد کردیم نه از بهر آن را که علماء را نکوهش کنیم. (احمد جام، ۱۳۹۰: ۷۰)

تکرار

- و خردهاست چون؛ عقل انسانیت، عقل معرفت و عقل عقلا پیوست. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۳۴)
- از این دو یکی باشد؛ اگر آن که گفت راست گفت و اگر دروغ گفت حال کافر شد. (همان، ۱۷۰)
- راه مرد مؤمن اول: ایمان است و توکل است و تفویض است و ترک تعلق است و زهد است. (همان: ۲۴۰)
- و بیاید دانست که چون علم نباشد، عالم نباشد و چون قدرت نباشد، قادر نباشد. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۳۰)
- سخن وی است و سخن وی از وی جدا نیست و مخلوق نیست و محدث نیست. (همان: ۳۰)
- و نه بر عرش تاید و نه بر ملک تاید و نه بر علی تاید. (همان: ۵۰)
- جز به فضل او دل گشاده نشود و هیچ کور بینا نشود و هیچ کر شنوا نشود و گنگ گویا نشود. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۴۷)

- هیچ کس انصاف یک دیگر بنمیدهم و هر که انصاف در دل نکند انصاف نیاورد چون در دل کردی که انصاف دهی انصاف یابی. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۱۳۱)
- مرده را از زخم چه خبر؟ اگر ما زنده بودیم از این زخم که برآمدی تن و جان ما از این زخم به درد آمدی. (همان: ۳۰)

- و هیچ چیز نبود نه سما بود نه هوا بود نه سمک بود نه فلک بود و نه جن بود. (احمد جام، ۱۳۹۰: ۱۸۸)
- و گریستن بی‌هنگام و کار بی‌هنگام و سخن بی‌هنگام این همه از خنده بی‌هنگام. (همان: ۳۳۶)

سطح ادبی

کاربرد آرایه‌های ادبی در آثار گوناگون کاملاً متفاوت است و بنا بر هدف پدیدآورنده اثر شکل و سویی خاص به خود میگیرد. گاه ممکن است شاعری چون حافظ به ایهام رو کند و گاه عارفی چون خواجه عبدالله انصاری به سجع؛ و اینها همگی نشان از زبان و علتی خاص دارد. در آثار منثور احمد جام نیز دو آرایه بیش از هر صنعت ادبی دیگر به چشم میخورد: «تشبیه» و «کنایه».

همانطور که در بررسی سطح زبانی، اصرار احمد جام را بر ساده‌نویسی نشان دادیم و بیان کردیم که هدف او ارتباط با عموم مردم و اشاعه اندیشه‌ها بوده، واضح است که وی در استفاده از آرایه‌های ادبی نیز در پی بکارگیری صنایع لفظی و معنوی و امثال اینها نبوده و برای بیان ساده مطالب از تشبیهات و کنایه‌های رایج بهره میبرده است. اینک نمونه‌هایی از کاربرد این آرایه‌ها :

تشبیه

- شما چون در خود و کار خود نگرید از شرم و تشویر ما بگدازید چنان که نمک در دریا. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۲۱)

- مردمان در مثل گویند که « عام چون انعام باشد: و علمای عارف چون شبانانند و علمای مقلد مطمع چون دزد و چون گرگان هستند. (همان: ۹۷)

- مثل مؤمن بر درگاه خدای عزّ و جلّ هم چنین است، خوف و رجا چون دو بال مرغ است، یا چون دو پای رونده است، که مرغ به یک بال نتواند پرید و رونده به یک پای نتواند رفت. (همان: ۱۸۶)

- فقر کیمیایی است که بر هر چه گذر کند او را رنگ خود دهد. (احمد جام، ۱۳۹۶: ۱۰۵)

- و دیگر تا بدان که ما را بندگان هستند که دل ایشان در مملکت ما چون آینه ای روشن است. (همان: ۱۸۶)

- صحبت داشتن با عالم طامع و مشایخ راغب و جمع کننده دنیا زهر قاتل است و اگر من نیز نکویم مدهانت کرده باشم. (همان: ۱۸۸)

- معرفت چون چراغی است در طاقی نهاده که آگینه ای در پیش او بود. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۳۵)

- عشق هم چنین عطای خدای است عزّ و جلّ و مرغی غریب است در هر جایی آشیانه نسازد. (همان: ۱۲۵)

- مثل دین همه چون آفتاب است و مثل شریعت و کار ما چون ماه است و هر عمل که ما راست، راست همچون مثل ماه است که او را استقامت نباشد. (همان: ۱۷۹)

- بس زیبا و دل ستان باشد خال سیاه بر رویی چون ماه، اما قدر آن خال معشوق داند و بس. (همان: ۱۵۴)

- وگرنه بسیار کسبهاست حلال و پاک چون شیر مادر. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۷)

- مثل محبت همچون یک دانه میبایست دانست که در زمین افگند کسی، چون در زیر خاک شد هیچ کس نیز فراوی نبیند تا آنکه که وقت رستن وی باشد. (همان: ۱۱۱)

- بدان که اصل همه علمها در علم سرّ است و هر که علم سرّ نداند مثل دل و چون کاروانسرای بی باشد هر که خواهد آن جا فرود آید. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۴)

- الهام حق سبحانه و تعالی، مانند آن آب است که از کاریز و از چشمه روان کند. (همان: ۱۶)

- هان! تا زبان تصرف کوتاه دارید که آدم، صدف ذری است که ما، کون و مکان و کائنات از برای وی در وجود آوردیم. (همان: ۹۸)

- حالت اولیای خدای عز و جل چون باران رحمت بود بر هر که بارد او را از آن رحمت نصیبی باشد. (احمد جام، ۱۳۸۷ ب: ۱۵۸)

- تن تائب همچون اسب نوزین است، اگر رایض وی را برزین و لگام راست کند روز حرب در حربگاه خطا نکند. (احمد جام، ۱۳۹۰: ۴۷)

- بدان که شریعت درخت است و حقیقت بار است. (همان: ۸۷)

- هر مؤمنی که صابر نباشد او را بس قدری نباشد و بس مقامی نباشد، همچون درختی باشد که بیخ میانی ندارد، چون بادی سخت درآید او را از جا می‌برکند. (همان: ۱۸۳)

- مثل نور حق تعالی چون مثل آفتاب است و مثل دل مؤمن، خانه تاریک؛ چون نور آفتاب به روزن خانه در افتد خانه نورانی گردد؛ همچنین سینه مؤمن چون مصباح نورانی و دل او همچون ستاره درفشان و مؤمن مخلص چون شجره زیت مبارکه. (همان: ۱۹۷)

کنایه

- و آن سخنان هر یکی سری داشتند از اسرار غیب و بعضی بود که بر ظاهر چیزی دیگر بود و در باطن چیزی دیگر و مردمان اغلب گرد پوست میگردیدند. (احمد جام، ۱۳۸۹ الف: ۲)

- ما خواستیم تا آنچه مخ علم و اسرار حکمت و حقایق و دقائق که سر و علانیه آن علم است به صحرا آریم که کسی از مخ و معنی اندرون آن خبر ندارد که همه گرد پوست برآمده اند. (همان: ۱۹)

- قومی که خدای عز و جلّ عذر گناه ایشان چنین می‌خواهد، مگر ثواب باشد که ما نیز دست از پوستین ایشان بداریم. (همان: ۹۱)

- مثنی کودک و پیرزن و بی دست و پای که به تماشا نتوانند شد که باغ و بوستان های ملوک و پادشاهان ببینند از آن چیزی برسازند و بازاری فرو آریند. (همان: ۱۳۴)

- باشید تا کارها از پرده بیرون آید. (همان: ۱۸۳)

- پیری و دلیلی، که طبیب ناقص بسیار بیمار را به گور فرستد و اولی تر آن بود که در خون مسلمان سعی نکند. (احمد جام، ۱۳۹۶: ۱۴۴)

- هر که در او حرف و زبان درباقی نکرد جمال و حس «هو» او را روی ننمود. (همان: ۱۰۸)

- این قوم مردان جنگ و چرخاش اند آنجا که رقم بر این قوم کشیدند این ندا به ملکوت دردادند. (همان: ۱۰۸)

- آخر ایشان محمد مصطفی (ص) و فاضلترین همه پیغمبران بود و پیغمبری بدو مهر شد و ما راستی دیگر پیغمبران به قول وی دانستیم. (احمد جام، ۱۳۸۷ الف: ۲۱)

- آیتهایی که این کتاب را بنا بر آن است تابی چند یاد کنیم تا هر طاعتی را در این کتاب جای طعن نباشد و اگر طعنی کند باری زود خاکسار و سیه گلیم گردد. (همان: ۵۹)

- و چون فراکاری رسد که پای یکی از دوستان ما در سنگ آید گویند: «لعنت بر ابلیس باد که این او کرد.» (همان: ۱۳۹)

- شما دین خویش به قول صاحب غرض بر باد میدهید و این فصل را نیک یاد دارید. (همان: ۸۰)

- هرکسی از نوعی دیگر این دنیا را قبله خود ساخته‌اند و هرچه نه آن است سر به آب فروداده اند مگر اندکی اند که نه چنین‌اند. (احمد جام، ۱۳۸۹ ب: ۵۴)

- عالم السرّ و الخفیات به ظاهر و باطن ما نگران است و ما چنین غافل! از آنچه ما را پرهیز فرموده‌اند رغبت ما همه در آن است کاری پشتاپشت افتاد که نه با شریعت و نه با حقیقت و نه با احوال مردمان. (همان: ۸۵)

- اگر بدین کاری راست خواهد آمد دست بردیم، و اگر نه که بس پشت دست که ما بخواهیم خایید. (همان: ۸۶)

- بلکه هرچه دارد خرج باید کرد، و بسیار سلم سلم بیاید گفت، تا بود که به سلامت باز تواند گردید. (همان: ۱۶۶)

- و غلط مردمان را هم در این اوفتاده است و سر همه اینجا در غربال افتاده است و همه رهنان اینجا دست یافتند که دو کار میبینند و هر دو چون هم. (همان: ۱۸۳)

- همه جانوران را روزی می دهیم بر طفیل شما که مؤمنان و دوستان من آید و شما ما را به یک تایی نان باور ندارید. (احمد جام، ۱۳۸۷: ب: ۲۹)
- و اگر همه گرد آیند بر آن تا ترا مضرتی رسانند نتوانند کرد مگر به چیزی که خدای عزّ و جلّ تو را قضا کرده است و در ازل بر تو نبشته است سخت درنوردیدند و قلم خشک شد. (همان: ۴۲)
- اگر کودکی را چشم بر آن افتد چنان متغیر گردند که از جای خود بشوند که نباید که این کودک این کار جایی برگوید. (همان: ۱۱۷)
- چند فا شما بگفتم که : فرزندیک این دانشمندان مروید! که راه شما بزند و شما میروید به نزدیک ایشان. (همان: ۱۶۴)
- و هرچه فرمان خدای عزّ و جلّ باشد آن را میان دربندی روی فرا قبله ایمان کنی بجد و جهد تمام. (احمد جام، ۱۳۸۷: پ: ۱۲۳)
- از این صد هزاران حکایت آن روز که بکار باید به یک تره نخزند. (همان: ۱۵۷)
- اگر در دل حب دنیا ندارد و بقسمت قسام قانع است و از گفتار و کردار تو فارغ خاک وی باش و سر مه چشم کن. (همان: ۱۶۵)
- هر کس خود را عشوه میدهد و در جوال عشوه خویش شده‌اند تا فردا که پرده از روی کارها بردارند. (احمد جام، ۱۳۹۰: ۲۰)
- معرفت عطائی چون میراث و ملک باشد، چون سر بر بالین نهادی اگر خواهی که خرج کنی بر نیک، بیش حکم تو روان نباشد. (همان: ۲۵)
- یا فرا درها باید شد و نان باید خواست و به خوشه چیدن باید رفت و دانی که فرا روی مردمان شدن کاری عظیم است. (همان: ۳۰۲)

سطح فکری

با نگاهی به آثار احمد جام و بازجستن اندیشه‌هایش به روشنی میتوان دریافت که این صوفی شوریده حال به سبب طول عمر و قبول عامه و مجالس بسیار و و آثار گوناگون، کمتر موضوعی از تصوّف را از نظر انداخته است. در آثار او از ذکر و سماع تا امر و نهی، توبه و اقسام تائبان، زاویه و زاویه‌داران، قرآن و تفسیر و آداب آن، فقر و قیمت فقر و هر آنچه در این مسلک آمده، سخن رفته است. با این حال هر اثر او مفاهیم خاص خود را دربردارد که در اینجا به ترتیب تاریخ تصنیف آنها، به معرفی هر یک میپردازیم.

رساله سمرقندیه

رساله ای است فشرده و مختصر، مشتمل بر نامه های شیخ احمد جام غالباً در پاسخ پرسش هایی که از جانب یاران و معتقدان وی از اطراف به خصوص از ناحیه ساکنان شهر «سمرقند» برای او فرستاده می شده است تسمیه این رساله به «سمرقندیه» بدین لحاظ بوده است.

ساختار تمامی مکاتیب به این صورت است که یا در آغاز مکتوب صورت پرسش ذکر شده و پاسخ شیخ جام در پی آن آمده است و گاه سوالی در آغاز مکتوب دیده نمیشود و متنی در بردارنده توصیه‌های عام و خانقاهی در آن دیده میشود.

مخاطب این مکتوبات علاوه بر «سلطان سنجر» برخی علمای عصر نیز هستند از جمله «خواجه امام ایلاقی» و «خواجه امام فصیح الدین ولواجی».

در این مکتوبات شیخ با بهره‌گیری از آیات و احادیث و بیانی شیوا و زیبا پرسشها را یک به یک پاسخ گفته است. در نامه‌ها و مکاتیبی که مخاطب آنها سلطان سنجر و خواجه امامان و بزرگان عصر هستند بر محور «دعوت به خداجویی و نصیحت و جانبداری بندگان خدا و به ویژه تنظیم و تکریم خلقت الهی» است؛ در مکاتیب دیگر نیز غالباً «موضوعات محوری خانقاهی و تصوف» مورد توجه قرار گرفته است.

این رساله شامل سیزده مکتوب است. مکتوب اول پاسخ به پرسش سلطان سنجر است که «ویژگی دوستان حق چیست؟» مکتوب دوم نامه‌ای است که شیخ بنا به درخواست مردم به سلطان می‌نویسد و از وی برای مردم کمک می‌طلبد.

چند مکتوب نیز در پاسخ به بزرگان عالمان و مضامینی چون بیان فقر و صفت فقر، در تربیت و مراتب مریدان، در معنی فضل و توحید و مانند اینهاست.

چند نمونه از نثر شیخ از رساله سمرقندیه:

- «هر واعظی و ناصحی آن را نشاید که واعظی پادشاه وقت کند... سلطان روزگار و مقدم عصر و وقت -ایده الله بکمال التوفیق- این کلمات به سمع خصومت و داوری نشنود بلکه به سمع نصیحت و شفقت شنود.» (احمد جام، ۱۳۹۶: ۹۷)

- پاسخ به خواجه امام فصیح الدین در بیان فقر: «نشان فقیری بی‌نشانیست. اما بر حالت مرد چیزها رَوَد و پیدا آید که نشان کار وی باشد... فقر کیمیایی است که بر هرچه گذرد کند او رنگ خود دهد...» (همان: ۱۰۵)

این اثر برای نخستین بار با تصحیح دکتر حسن نصیری جامی توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

انس التائبین

عنوان درست و تمام این کتاب «انس التائبین و صراط الله المبین» است در بعضی از کتب تذکره از جمله «تذکره هفت اقلیم» احمد رازی آن را به صورت «انیس التائبین» ضبط نموده اند اما در کتاب‌های «مفتاح النجات» و «بحار الحقیقه» و دو اثر دیگر شیخ جام انس التائبین ذکر شده است اما تاریخ دقیق تالیف آن مشخص نیست. (شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام، فاضل: ص ۳۶۴) انس التائبین شاید گسترده‌ترین اثر شیخ جام باشد و به لحاظ تنوع اسلوب و نیز تنوع مسائل برترین آنها به شمار رود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۷۹)

اهتمام شیخ جام در تصنیف کتاب «انیس التائبین» بعد از مبحث توبه که انگیزه اصلی وی در تصنیف این کتاب بوده است، بیشتر موقوف به شرح مباحث صوفیان و تبیین مسائل اعتقادی متصوفه و شرح نکته‌ها و اشاره‌های لطیف عرفا و وصف جلوه‌های گوناگون عرفان اسلامی است. (فاضل، ۱۳۷۳: ۳۶۵)

«انس التائبین» متنی است صوفیانه با نثری نرم، پخته و روان، آمیخته با چاشنی مطبوع و دلپذیر از مصطلحات و ترکیبات شیرین متداول در محاوره‌ی مردم خراسان با لحن منبری و شیوه‌ی خطابی. (همان: ۳۷۲)

نثر «انس التائبین» نثری است ساده و غیرمصنوع که از نظر کوتاهی جمله‌ها، به کار نرفتن لغات دور از ذهن و مهجور در آنها، دور بودن از سجع و موازنه و پیرایه‌سازی، نزدیک‌بودن به لهجه‌ی محاوره و اصطلاحات اصیل و دست‌نخورده‌ی زبان فارسی و ... میتواند مورد توجه و اعتنا قرار گیرد. شیخ جام در این کتاب در طرح مباحث، اختصار را نیکو نگاه میدارد و با استادی خاص از اطناب می‌گریزد.

از خصوصیات دیگر این کتاب لحن دوستانه و اخوانی و همچنین به کار بردن تشبیهات بسیار ملموس و مثل‌های نغز دلاویز در پرداخت سخن و انشای مطلب است. (همان: ۳۷۵)

این اثر دارای ۴۵ باب است و به شیوه پرسش و پاسخ نگاشته شده است. در آغاز هر باب پرسشی چون «میپرسند که عقل چیست و عاقل کیست؟» یا «میپرسند که توحید چیست و موحد کیست؟» آمده و سپس جواب شیخ در پی آن پاسخ شیخ ذکر شده است.

احمد جام در آغاز کتاب هدف خود را از نگارش این اثر دو امر معرفی می‌کند: اولاً رضای خدا، نه پسند مردمان و نه برای جنگ و تعصب؛ و دوماً روشن داشتن راه را برای آنان که در مسیر بدعت افتاده‌اند و خود نمیدانند. بخشی از باب دوازدهم:

- «میپرسند که طلب چیست و طالب چیست؟»

بدان که چون مرد را درد این کار بگیرد، و همت این کار خیزد و به خواستداری این حدیث بیرون آید، از سر درد و محبت، و آتش شوق به طلب مطلوب خویش برخیزد از بس دوستی و آتش اشتیاقی که دل وی باشد، هر چند ببند همه او را ببند و بجز او را هیچ نبیند؛ چنان که گفته‌اند:

دوری ز من و جفت غم و تیمارم اندوه تو را به یاد تو میدارم

از بس که به دل وصف تو را بنگارم در هرچه نظر کنم تو می‌پندارم

(احمد جام، ۱۳۹۰: ۸۱)

این اثر با تصحیح و تعلیقات دکتر علی فاضل یکبار در سال ۱۳۵۰ از سوی بنیاد فرهنگ ایران منتشر شد که شامل بخشی از کتاب بود؛ متن کامل این اثر نیز از همین مصحح در سال ۱۳۶۸ به وسیله انتشارات توس به چاپ رسیده است.

سراج‌السائرین

شیخ احمد جام این کتاب را در سن ۷۳ سالگی در سال ۵۱۳ هـ ق در سه مجلد و هفتاد و پنج باب تصنیف نموده است بعدها یک مجلد از آن در حوادث فتنه مغول مفقود گشته است. (همان، ص ۳۸۷) کتاب بگونه ای آغاز میشود که نشان میدهد بخشهایی از آغاز کتاب افتاده است. همچنین بخش پایانی نشان دهنده پایان اصلی نیست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۸۰)

آنچه از این اثر باقی مانده تنها یک نسخه خطی که فقط ۲۴ باب از کتاب اصلی را داراست. احمد جام در مقدمه این اثر مینویسد:

« بیست و دو ساله بودم که توبه کردم و هفتاد و دو ساله بودم که این کتاب نبشتم، در هفتاد و سه سالگی تمام شد.» (احمد جام، ۱۳۸۹: ص ۱)

شیخ در این اثر از امور نزدیک به هم که ممکن است برای روندگان راه حق، پرسشی ایجاد کند، گره می‌گشاید و مرز امور مشابه را تبیین مینماید؛ مانند «فرق میان حال و محال در باب اول»، «فرق میان آسایش خلق و هوی‌پرستی در باب دوم»، «فرق میان پیری و خواجگی جستن در باب سوم» الی آخر.

بخشی از باب یازدهم:

در فرق میان واماندگی و حیرت

«هر گوینده‌ای را در حیرت و تحیر سخن نرسد. در تحیر کسی سخن تواند گفت که او را از آن چشانیده باشند، و چند روز در تحیر مانده باشد؛ آنگه او را در حیرت و تحیر سخن رسد.» (احمد جام، ۱۳۸۹: ب: ۱۳۴) منتخبی از این اثر در سال ۱۳۶۸ با تصحیح و تعلیقات دکتر علی فاضل از سوی انتشارات آستان قدس رضوی چاپ گردیده است. متن کامل آن نیز با تصحیح و توضیح دکتر حسن نصیری جامی در سال ۱۳۸۶ به وسیله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.

روضه‌المذنبین

روضه‌المذنبین احمد جام آن نهنگ محیط بحرآشام

آسمانیست پر مه و پروین بوستانیست پر گل و نسرين
(قاسم انوار، ۱۳۳۷: ۳۵۱)

عنوان درست و کامل کتاب «روضه‌المذنبین و جنه‌المشاقین» است. این کتاب در سال ۵۲۰ در روزگار سلاجقه در عصر سلطان سنجر سلجوقی نوشته شده است و مشتمل است بر مباحثی شیوا و ارزنده با لحنی گیرا و سبکی دلنشین و آموزنده. (فاضل، ۱۳۷۳: ۴۰۶) روضه‌المذنبین متنی است صوفیانه و دارای نثری غیر مصنوع، با جمله‌هایی کوتاه، روان، ساده و پخته، نزدیک به زبان محاوره گناهکاران را به رحمت خداوند دعوت میکند. احمد جام در این اثر خود با آوردن تمثیلات نغز و دلپذیر و از راه توسل به آیات و قصص، میکوشد مردمان را به راه توبه کشانده و تائبان را در مسیر خود، دلگرم سازد. وی از گروه نوتائبان می‌خواهد تا پیکاری پیگیر را که با خواستهای پلید نفس آغاز کرده‌اند، مردانه به انجام رسانند، باشد که در صف نیک‌سیرتان جای گیرند. کتاب دارای ۲۳ باب است که از «توحید و معرفت» آغاز میشود و در ادامه درباره «هدایت خداوند، فضیلت توبه، مقام تائبان، جایگاه عبادت، عشق به حق، خلوص در عبادت، شناخت راه آزادمردان و خوف و رجا» در آن، سخن رفته است.

بخشی از باب دهم «در نعمت دیدن منعم و شکر گزاردن»:

- «پس چون به حقیقت بنگری همه نیکوییهای دو جهانی در گزاردن شکر نعمت است و همه محنتها و عقوبتها در کفران نعمت است و اغلب خلق از این هر دو غافلند که نه شکر نعمت منعم میدانند و نه از کفران نعمت می‌پرهیز کنند، تا در کار دین و دنیا خاسر شدند و هر دو بر ایشان غرامت آمد.» (احمد جام، ۱۳۸۷: الف: ۱۰۰)

دکتر علی فاضل این اثر را تصحیح و در سال ۱۳۵۵ از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ به چاپ رسیده است. سالهای بعد، انتشار این اثر را پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام داده است.

مفتاح‌النجات

احمد جام کتاب «مفتاح‌النجات» را در سن ۸۲ سالگی و به مناسبت توبه فرزندش (خواجه نجم‌الدین ابوبکر) نوشته است. تاریخ تصنیف کتاب اواخر شعبان ۵۲۲ هـ است.

در مقدمه کتاب آمده :

« اما چون ایزد سبحانه و تعالی بفضل و کرم و منت خود، فرزند ما خواجه نجم‌الدین ابوبکر را لباس توبه پوشانید و راه درگاه خود برو گشاده گردانید و توفیق، رفیق وی کرد تا او مجالست پراکندگان و اهل فساد با مجالست و

صحبت عزیزان درگاه بدل گردانید و از ما درخواست و استدعا کرد تا آنچه حالی وی را بدان احتیاج افتد از مقدمات راه دین و حق و حقیقت و اسباب دین وی هرچه بلفظ موجزتر و مختصرتر بنویسیم.» (احمد جام، ۱۳۸۷: ۶۲) این اثر دارای هفت باب است و از آنجا که این موضوعش با کتاب روضة‌المذنبین مشترک است، کلیات ابواب نیز دارای مفاهیم مشابه است. موضوعاتی چون «شناخت حق و بیان توحید و معرفت»، «بیان سنت و جماعت»، «توبه و طریق تائبان»، «استقامت در اجرای اوامر و نواهی حق» و مانند اینها. این اثر را دکتر علی فاضل تصحیح و در سال ۱۳۴۷ بنیاد فرهنگ ایران منتشر ساخته است. چاپهای بعدی این اثر توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام گرفته است.

بحارالحقیقه

احمد جام این کتاب را در سن هشتاد و هفت سالگی، به سال ۵۲۷ تصنیف کرده است. اهتمام شیخ در این کتاب بیشتر معطوف به مباحث و مسائل قرآنی است تا بتواند در پرتو تابناک آنها آراء و معتقدات خویش را در زمینه تصوف و عرفان اسلامی به مناسبت بازگوید.

این اثر شیخ دارای هجده باب است و به دو دسته تقسیم میگردد:

الف) تفسیری: چهار باب (۱، ۱۰، ۱۱، ۱۲) تفسیر آیاتی از قرآن است.

ب) موضوعی: چهارده باب دیگر که در بیان دقایق عرفانی و مسائل زهد و سلوک و خداجویی است.

در مقدمه این اثر میخوانیم:

- «و میشنویم که قومی خطاهای لغوی و نحوی بر این کتابهای ما میگیرند و میگویند که: به اعراب نه راست است! ما دعوی لغت و اعراب نمیکنیم، به حکم آنکه این از جمله پوستهاست و اگر کسی دارای و نحو نداند، هیچ خلل به دین او نگردد. ما دعوی اصول دین و معرفت نمیکنیم.» (احمد جام، ۱۳۸۹: الف: ۶) این اثر در سال ۱۳۸۹ با تصحیح و تعلیقات دکتر حسن نصیری جامی توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.

کنوزالحکمه

آخرین اثر و ثمر عمر پربار شیخ جام «کنوزالحکمه» است. کتابی که شیخ در سال ۵۳۳ یعنی ۹۳ سالگی خویش به تألیف آن پرداخته است. در این کتاب میتوان نهاییترین اندیشه‌های وی را بازشناخت.

این اثر در ۲۰ باب تألیف شده که میتوان آن را به دو بخش تقسیم کرد؛ نیمی از ابواب به ترجمه و تفسیر و توضیح آیاتی از قرآن کریم تخصیص داده شده و نیمی دیگر به بیان دقایق حکمت و عرفان اختصاص دارد. اسلوب نگارش آن منبری و واعظانه است و تنوع مضامین در آن بسیار دیده میشود.

احمد جام در مقدمه مینویسد:

- «در این ابواب از هر نوع سخن است، هم رسیدگان را و هم نارسیدگان را؛ اگر همه سخن رسیدگان را گفتمی، رسیده را خود به سخن و راهبر حاجت نیوفتد، مگر چندان که بداند که راه است، و بدین راه سالکان رفته‌اند؛ ایشان را یقین زیادت گردد. اما قومی که در راه باشند، هنوز نرسیده باشند، ایشان را هم راهبر باید و هم عصا باید و هم یار موافق باید تا قاطعان طریق راه حقیقت برایشان مشوش نکنند؛ زیرا در هیچ راه چندان دزد و راهزن نباشد که در این راه باشد!» (احمد جام، ۱۳۸۷: ب: ۵)

این اثر در سال ۱۳۸۷ به تصحیح دکتر علی فاضل و مقدمه دکتر حسن نصیری جامی توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر گردیده است.

نتیجه‌گیری:

در ادب عرفانی فارسی، کمتر شخصیتی را می‌توان یافت که همچون شیخ احمد جام نامقی از حیث تنوع، گستره و عمق مضامین، آثاری چنین متنوع و چندلایه از خود برجای نهاده باشد. آثار او نه تنها بازتاب‌دهنده تجربه‌های شخصی و سلوک عرفانی اوست، بلکه آیینی‌ای از جریان‌های فکری و خانقاهی عصر خویش نیز به شمار می‌آید. همین تنوع مضمونی سبب شده است که نوشته‌های وی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، قابلیت تحلیل و بررسی مستقل و در عین حال پیوسته داشته باشند.

در سطح زبانی، نوشته‌های شیخ جام در شمار آثار سبک مرسل و ساده جای می‌گیرد. نثر او عاری از تکلف‌های لفظی، پیچیدگی‌های نحوی و صنعت‌پردازی‌های تصنعی است و ساختار جمله‌ها غالباً کوتاه، مستقیم و روشن است. این سادگی نه از سر ناتوانی، بلکه انتخابی آگاهانه و هدفمند است؛ زیرا شیخ جام رسالات و کتاب‌های خود را با قصد هدایت و ارشاد عامه مردم نگاشته و می‌کوشیده است مفاهیم پیچیده عرفانی را در قالبی قابل‌فهم برای همگان عرضه کند. از همین رو، زبان او به زبان محاوره و بیان مردمی نزدیک می‌شود و از کاربرد ترکیبات دشوار و اصطلاحات پیچیده فلسفی پرهیز می‌کند. این ویژگی زبانی، آثار او را به متونی آموزشی و ارشادی بدل ساخته که مخاطب غیرمتخصص نیز می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند.

در سطح ادبی، هرچند نثر شیخ جام ساده و مرسل است، اما از جلوه‌های بلاغی و هنری خالی نیست. در میان صنایع ادبی، دو آرایه «تشبیه» و «کنایه» بیش از دیگر آرایه‌ها در آثار او حضور دارند. تشبیه‌های او غالباً برگرفته از عناصر ملموس و روزمره‌اند؛ مانند روابط خانوادگی، امور معیشتی، طبیعت و تجربه‌های عادی زندگی. این امر سبب می‌شود مفاهیم انتزاعی و دشوار عرفانی، صورتی عینی و محسوس بیابند و در ذهن مخاطب جای گیرند. همچنین کاربرد گسترده کنایه‌ها - که بسیاری از آن‌ها ریشه در زبان و فرهنگ عامه دارد - نشان‌دهنده تلاش نویسنده برای ایجاد پیوندی عاطفی و ذهنی با خوانندگان است. بدین ترتیب، صنایع ادبی در آثار شیخ جام نه برای نمایش مهارت بلاغی، بلکه در خدمت تفهیم، تأثیرگذاری و تعمیق ارتباط با مخاطب قرار گرفته‌اند.

در سطح فکری، شیخ جام را باید مبلغ و مروج جدی اندیشه‌های صوفیانه و آموزه‌های سلوکی دانست. آثار او بازتاب‌دهنده طیف وسیعی از باورها، دستورالعمل‌ها و راهبردهای خانقاهی است که در فضای تصوف ایرانی رواج داشته است. وی با استناد به آیات قرآن و بهره‌گیری از تفسیرهای اخلاقی و عرفانی، بنیان‌های نظری سخن خویش را استوار می‌سازد و از این طریق، پیوندی میان شریعت و طریقت برقرار می‌کند. تبیین راه وصول به حق، شرح مقامات و درجات سالکان در مسیر سلوک، بیان آفات راه و هشدار نسبت به موانع درونی و بیرونی، و نیز تأکید بر بی‌اعتنایی به داور و قضاوت مردمان، از مهم‌ترین محورهای اندیشه‌ای اوست. در این میان، توجه به تهذیب نفس، اخلاص، توکل و مراقبه، جایگاهی برجسته دارد و چارچوبی منسجم از سلوک عرفانی را پیش روی مخاطب می‌نهد. برآیند این سه سطح نشان می‌دهد که میان زبان ساده، بیان ادبی سنجیده و محتوای عمیق عرفانی در آثار شیخ جام، نوعی هماهنگی و انسجام درونی برقرار است. سادگی زبان، امکان انتقال گسترده مفاهیم را فراهم می‌کند؛ آرایه‌های ادبی، نقش تقویت‌کننده و تبیین‌کننده دارند؛ و بنیان‌های فکری، ساختاری منسجم از جهان‌بینی عرفانی او عرضه می‌کنند. از این رو، آثار شیخ احمد جام را می‌توان نمونه‌ای شاخص از پیوند زبان مردمی با اندیشه ژرف عرفانی در ادب فارسی دانست؛ پیوندی که هم ارزش ادبی دارد و هم اهمیتی تاریخی در شناخت سیر تحول نثر عرفانی و اندیشه تصوف ایرانی.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmad Jam. (1989). *Selected Siraj al-Sa'irin* (A. Fazel, Ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. (in Persian)
- Ahmad Jam. (2008a). *Rawdat al-Muthnibin & Jannat al-Moshtaqin* (A. Fazel, Ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Ahmad Jam. (2008b). *Konuz al-Hikma* (A. Fazel, Ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Ahmad Jam. (2008c). *Miftah al-Najat* (A. Fazel, Ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Ahmad Jam. (2010a). *Bahar al-Haqiqah* (Hasan Nasiri Jami, Ed.). Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ahmad Jam. (2010b). *Siraj al-Saerin* (Hasan Nasiri Jami, Ed.). Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ahmad Jam. (2011). *Ans-al-Ta'ibin* (A. Fazel, Ed.). Tehran: Toos. (in Persian)
- Ahmad Jam. (2017). *Samarqandiya treatise* (H. Nasiri Jami, Ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Ostovar Namaghi, S. M. (2017). *Discourse analysis of Ans-al-Ta'ibin of Ahmad Jam* (Doctoral dissertation). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (in Persian)
- Ostovar Namaghi, S. M., & Ghorban Sabbagh, M. R. (2015). The metaphors of Sama in *Ans-al-Ta'ibin* of Ahmad Jam Nameghi. *Erfan Studies*, (22), 5–38. (in Persian)
- Estowar Namaqi, M. (2005). *Shari'ah in the works of Ahmad Jam (Zhandapil) Namaqi* (Master's thesis). Yazd University, Yazd, Iran.
- Amirkhan, Z. (2015). *The classes and categories of the pious in the works of Sheikh Ahmad Jam* (Master's thesis). University of Semnan, Semnan, Iran. (in Persian)
- Bahmani Motlagh, Y., & Khodadadi, M. (2011). Analysis of the linguistic structure of Sheikh Ahmad Jam's mystical prose based on *Kunuz al-Hikma* and *Ans-al-*

Ta'ibin. Monthly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab), (13), 217–230. (in Persian)

- Jami-al-Ahmadi, H. (1983). *A study of syntactic features in the prose of Sheikh Ahmad Jam with a focus on Ans-al-Ta'ibin* (Master's thesis). Payame Noor University, Tehran, Iran. (in Persian)
- Khadivar, H., & Khodadadi, M. (2012). The position of Arabic words, archaic terms, and some old beautiful combinations in the mystical prose of Sheikh Ahmad Jam based on *Ans-al-Ta'ibin* and *Kunuz al-Hikma*. *Erfan Studies in Persian Literature*, (13), 11–30. (in Persian)
- Khosravi Eqbal, R. (2006). *Editing the Divan of Sheikh Ahmad Jam* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (in Persian)
- Soltani Rebat, B. (2018). *A study of social thought in the works of Sheikh Ahmad Jam* (Master's thesis). Islamic Azad University, Taybad Branch, Taybad, Iran. (in Persian)
- Shafiei Kadkani, M. R. (2014). *Darvish Satihandeh*. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Shams, H. (2013). *A study of Ans-al-Ta'ibin by Sheikh Ahmad Jam at the intellectual and literary levels (Aesthetics)* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (in Persian)
- Taleb Ahmadi, H. (2016). *The relationship between intellect and love from the perspective of Sheikh Ahmad Jam* (Master's thesis). Payame Noor University, Yazd, Iran. (in Persian)
- Azizi Karamzadi, M. (2015). *A study of the language of Sufism in the works of Ahmad Jam* (Master's thesis). University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (in Persian)
- Fazel, A. (1994). *Biography, critique, and analysis of Ahmad Jam's works*. Tehran: Toos. (in Persian)
- Fazel, A. (2004). *The chronicles of Ahmad Jam Nameghi*. Tehran: Toos. (in Persian)
- Nafisi, S. (1958). *The complete works of Qasim Anvar* (S. Nafisi, Ed.). Tehran: Ketabkhaneh Sanai. (in Persian)
- Mohammadi, A. (2018). *The status of the masters in the works of Sheikh Ahmad Jam Nameghi* (Master's thesis). Islamic Azad University, Taybad Branch, Taybad, Iran. (in Persian)
- Madani, A. H. (2012a). *Ahmad Jam: From legend to reality*. *Erfan Studies*, (16), 217–240. (in Persian)
- Madani, A. H. (2012b). *A study of the works and thoughts of Sheikh Ahmad Jam* (Doctoral dissertation). Yazd University, Yazd, Iran. (in Persian)
- Nasiri Jami, H. (2009). Rare and valuable words in the language of Sheikh Jam. *Persian Literature Quarterly*, (23), 90–100. (in Persian)

فهرست منابع فارسی

احمد جام. (۱۳۶۸). *منتخب سراج‌السنائین* (علی فاضل، تصحیح). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

احمد جام. (۱۳۸۷ الف). *روضه‌المدنیین و جنة‌المشتاقین* (علی فاضل، تصحیح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمد جام. (۱۳۸۷ ب). *کنوز‌الحکمه* (علی فاضل، تصحیح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمد جام. (۱۳۸۷ پ). *مفتاح‌النجات* (علی فاضل، تصحیح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
احمد جام. (۱۳۸۹ الف). *بحار‌الحقیقه* (حسن نصیری جامی، تصحیح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمد جام. (۱۳۸۹ ب). *سراج‌الساثرین* (حسن نصیری جامی، تصحیح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمد جام. (۱۳۹۰). *انس‌التائبین* (علی فاضل، تصحیح). تهران: توس.

احمد جام. (۱۳۹۶). *رساله سمرقندیه* (حسن نصیری جامی، تصحیح). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

استوار نامقی، سید محمد و قربان صباغ، محمود رضا. (۱۳۹۴). «استعاره‌های سماع در انس‌التائبین احمد جام نامقی». *مطالعات عرفانی*، شماره ۲۲، صص ۵-۳۸.
استوار نامقی، سید محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمانی انس‌التائبین احمد جام». رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.

استوار نامقی، محمد. (۱۳۸۴). «شریعت در آثار احمد جام (ژنده پیل) نامقی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.

امیرخان، زهرا. (۱۳۹۴). «طبقات و اصناف دینداران در آثار شیخ احمد جام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.

بهمنی مطلق، یدالله و خدادادی، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل ساختار زبانی نثر عرفانی شیخ احمد جام بر اساس کنوز‌الحکمه و انس‌التائبین». ماهنامه علمی سبک‌شنا سی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۳، صص ۲۳۰-۲۱۷.

جامی‌الاحمدی، حمیرا. (۱۳۶۲). «بررسی ویژگی‌های نحوی در نثر شیخ احمد جام با محوریت کتاب انس‌التائبین». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری).

خدیبور، هادی و خدادادی، محمد. (۱۳۹۱). «جایگاه لغت عربی و واژه‌های کهن و برخی ترکیبات زیبای قدیمی در نثر عرفانی شیخ احمد جام بر پایه دو کتاب انس‌التائبین و کنوز‌الحکمه». *عرفانیات در ادب فارسی*، شماره ۱۳، صص ۱۱-۳۰.

خسروی اقبال، رامین. (۱۳۸۵). «تصحیح دیوان اشعار شیخ احمد جام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

سلطانی رباط، بصیره. (۱۳۹۷). «بررسی اندیشه‌های اجتماعی در آثار شیخ احمد جام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تایباد.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۳). *درویش ستیپنده*. تهران: سخن.

شمس، حامد. (۱۳۹۲). «بررسی سبک انس‌التائبین شیخ احمد جام در دو سطح فکری و ادبی (زیبایی‌شناسی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- طالب احمدی، حفصه. (۱۳۹۵). «نسبت عقل و عشق از دیدگاه شیخ احمد جام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان یزد.
- عزیزی کارمزدی، میترا. (۱۳۹۴). بررسی زبان تصوف در آثار احمد جام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- فاضل، علی. (۱۳۷۳). شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام. تهران: توس.
- فاضل، علی. (۱۳۸۳). کارنامه حمد جام نامقی. تهران: توس.
- کلیات قاسم انوار (سعید نفیسی، تصحیح). (۱۳۳۷). تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- محمدی، علی. (۱۳۹۷). «جایگاه مشایخ در آثار شیخ احمد جام نامقی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تایباد.
- مدنی، امیرحسین. (۱۳۹۱). احمد جام از افسانه تا واقعیت. مطالعات عرفانی، شماره ۱۶، صص ۲۱۷-۲۴۰.
- مدنی، امیرحسین. (۱۳۹۱). بررسی آثار و اندیشه‌های شیخ احمد جام. رساله دکتری، دانشگاه یزد.
- نصیری جامی، حسن. (۱۳۸۸). واژه‌هایی نادر و مغتنم در زبان شیخ جام. فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد)، شماره ۲۳، صص ۹۰-۱۰۰.

معرفی نویسنده

مجتبی احمدوند: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: dr.mojtaba.ahmadvand@gmail.com)

(ORCID: [0009-0004-0287-4112](https://orcid.org/0009-0004-0287-4112))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Mojtaba Ahmadvand: PhD in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: dr.mojtaba.ahmadvand@gmail.com)

(ORCID: [0009-0004-0287-4112](https://orcid.org/0009-0004-0287-4112))